



مجله داره

مجلس شورای ملی

شماره ۲۱۴ و ۳۵۱۴۴ و ۳۸۸۹۴ و ۳۸۸۹۵ و ۳۸۸۹۶

روزنامه یومیه

بهای اشتراك

قیمت اول (مذاكرات مجلس) سالانه ۳۰۰۰

قیمت دوم (آگهیها) ۵۰۰۰

شماره اول ۸۰۰۰

روزنامه رسمی کشور شایسته ای ایران

شامل: کلیه قوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلسین - اخبار مجلس - انتصابات - آگهی های رسمی و قانونی

سال هفتم

۱ شنبه ۸ دی ماه ۱۳۳۰

شماره ۲۰۰۱

شماره مسلسل ۲۱۴

دوره شانزدهم مجله شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۲۱۴

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز یکشنبه بیست و چهارم

آذرماه ۱۳۳۰

فهرست مطالب:

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - بیانات قبل از دستور آقایان: آشتیانی زاده - تیمور تاش-آزاد
- ۳ - اخذ رأی و تصویب فوریت لایحه برقراری شهریه درباره درانه مرحوم سرهنگ نورشاد
- ۴ - بیانات آقای امامی اهری بعنوان ماده ۹۰ آئین نامه
- ۵ - طرح و تصویب طرح تکلیف تقدیم لایحه اجرای منع مشروبات الکلی
- ۶ - معرفی تیمسار سر لشکر علوی مقدم به معاونت وزارت جنگ بوسیله آقای وزیر جنگ
- ۷ - بیانات آقای آشتیانی زاده بعنوان ماده ۹۰ آئین نامه
- ۸ - تعیین موقع جلسه آینده - ختم جلسه

مجلس ساعت ده و پنجاه دقیقه صبح ریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید.

(۱- تصویب صورت مجلس)

رئیس - صورت غائبین جلسه

پیش فرانت می شود.

(بشرح زیر فرانت شد)

غائبین با اجازه آقایان: موسوی

دولت آبادی - عباسی - اردلان - حاذقی

ایمیری - صدر میر حسینی - معین زاده -

غائبین بی اجازه آقایان: احمد باغعلی

زاده - ابتهاج - نفعه الاسلامی - کوراغلی

ارباب گیو - خزیمه علم - جواد سعیدی

اورنگ

دیر آمدگان با اجازه آقایان:

دکتر جلالی ۲ ساعت - حکیمی یک ساعت - صفوی ۴ ساعت - شکرانی ۳ ساعت - صاحب جمع ۳ ساعت - آبکار سه ساعت - جوان عامری ۲ ساعت - رضوی ۳ ساعت - سودآور ۳ ساعت - گیکانی ۳ ساعت - غلامرضا فولادوند ۳ ساعت - دکتر مصباح زاده ۳ ساعت - شهاب خسروانی ۳ ساعت - رئیس - آقای آشتیانی زاده نسبت بصورت مجلس نظری دارید؟

آشتیانی زاده - بنده صورت

موضوع غارت دفتر آقای یازسا که از نویسندگان معروف هستند بنده نمی دانستم دختر ایشان نجاست بده که ایشان توضیح دادند معلوم شد که در دفتر روزنامه فرمان است همان روز فرمانی صکه در شب قبل هم منزل مدیرش را غارت کردند (آشتیانی زاده - کدام شب قبل) پریش بهماز آن واقعه - دو-سؤال هم دارم که تقدیم مقام ریاست می کنم یکی راجع بعنوان دکترای آقای دکتر حسین فاطمی است و یکی هم راجع بقضات دادگستری است که اخیراً شهربانی قضات را دستبند زده و زندانی کرده است و حال آنکه مطابق قانون بایستی اگر جرم بکنند باید در محکمه محاکمه شود و این دو سؤال را تقدیم می کنم.

رئیس - آقایان باید بدانند آنهایی که میکنند عین ضبط می شود و این سلفه اش حاضر است و تند نویسی می گویند که آنها ضبط می شود و غیر از این بیاناتی که نوشته شده نبوده است - آقای شهنشاهی - آشتیانی زاده - همه شنیدند که آقای نخست وزیر گفتند من بملت انگلیسی تقدیم می کنم (زنک رئیس)

شهنشاهی - بسم الله الرحمن الرحیم با رعایت این که انحرافی از آئین نامه نکرده باشم عرض می کنم بعضی از بیانات را نمایندگان از جای خود که ممکن است ضبط نشود می گویند و همه می شنوند و آنگاه در صورت مجلس نیست این را باید تذکر بدهم اگر بخاطر آقایان محترم باشند من در آن جلسه مکرراً راجع بصورت جلسه قبل گفتم اعتراض دارم و مقام ریاست بمن اجازه ندادند که اعتراض خود را بگویم و وارد دستور شدن نمود در صورت جلسه عم که باید سند مجلس شورای ملی باشد و باید تمام کلمات و نکات متذکره نمایندگان محترم در آن قید باشد ندارد آخر فرق است بین

سه روز ۳ شنبه گذشته را کاملاً مطالعه کردم دو قسمت در صورت جلسه ندیدم یکی ضمن اظهارات آقای نخست وزیر که فرموده بودند یعنی جناب آقای دکتر مصدق بملت و دولت انگلستان تعظیم می کنند این در صورت جلسه نبود و باید قید شود یکی هم اظهاراتی بود که آقای حائری زاده فرمودند وقتی که جناب آقای دکتر مصدق صحبت می فرمودند ایشان ضمن فرمایشات آقای دکتر فرمودند ما مقصودمان از عمل ملی شدن نفت این بود که سیاست انگلستان را از ایران ریشه کن کنیم این دو قسمت باید تصحیح - و در صورت جلسه یکی هم راجع بماده ۹۰ است که آقای نایب رئیس فرمودند نوبت شما محفوظات در جلسه آینده - رئیس - آقای پیراسته - اغلاطی چایی در بیانات بنده در صورت مذاکرات دیده می شود چون در اصل موضوع تأخیری ندارد با اجازه مقام ریاست تصحیح می کنم و تقدیم مقام ریاست می کنم که دستور بفرمایند به تند نویسی ارسال و اصلاح شود - چند موضوع از اظهارات بنده در جلسه گذشته افتاده که توضیح می دهم اصلاح بشود بنده ضمن دلایل مشارکت دولت در واقعه چهاردهم آذر عرض کردم یکی از دلایل عکس است که معاون بسیار محترم نخست وزیر باشعبارتی می برداشته و همکاری این دو عنصر شریف را این عکس می رساند معاون نخست وزیر که حضور داشت گفت این عکس جعل شده بنده عین آن عکس را که حالا بدست آورده ام تقدیم می کنم چون آن عکس که در آن روز نشان دادم از روی روزنامه بود عکس اصلی را حالا تقدیم مقام ریاست می کنم همین طور در

هین مذاکرات مشروح دولت و سیزدهمین جلسه از شانزدهمین دوره قانونگذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

انتخابی خود و نه فعالیت می کنیم اگر وکیل شده بود امراد اگر شده جنم نموی کویم بنده بدیمی آید که وکیل شوم خیلی هم خوشم می آید که انتخاب شوم ولی اگر نشدم همانطور که آنروز عرض کرده ام نمی کنم اما این جا بنده می خواهم انتخابات آزاد را در پشت این تریبون رسوا بکنم و معال است در ایران با این سیستم بشود انتخابات آزاد کرد غیر ممکن است وزیر کشور این جامی گوید اعلامیه می دهد که چه شده مداخله ندارم بفرمائید بنده یادداشتی نشان بدهم که اسامی اشخاص است

رئیس - آقای آشتیانی زاده وقت شما تمام شد

عرض کنم این اسامی اشخاص است شهر بانی چند تا اعلامیه داد عصر در روزنامه کیهان چاپ شد بنده یادداشت کردم اعلامیه داد که مردم شرافتمند تهران...

رئیس - تمام شد یعنی دیگر چیزی نگویید

آشتیانی زاده - من مطیع آقای رئیس هستم پس ماده ۹۰ را اجازه بفرمائید

رئیس - موقعی است که وارد دستور شدیم

آشتیانی زاده - خیلی چیزها داشتیم ولی حیف که وقت نیست این شرافتمندان را خودشان گرفته اند (بیراسته - احسن)

رئیس - آقای تیمورتاش بفرمائید

تیمورتاش - حقیقت اینست که آقای آشتیانی زاده با فرمایشات نقر و متین ویر مغزشان کنار را بر بنده خیلی دشوار فرمودند چون این روزها صحبتها تقریباً یکی است و همه تشریح وقایع را توضیح می دهند که بدبختانه در این کشور بوقوع می یورند و آنوقت از بیانی را که ایشان می فرمودند بنده سعی می کنم که تکرار نکنم ولی منظور مقصود بنده یسر این بود که بیانات جناب آقای دکتر مصدق را که در جلسه روز سه شنبه ۱۹ آذر فرمودند تجزیه و تحلیل کرده باشم چون متأسفانه در آن جلسه با وجود اینکه بنده تصدیق می کنم باقی وقت و مجال صحبت داده شد بیا که ترستی و مهارت کاملی گفتند که اول شام صحبتهای خودتان را بکنید ما هم البته بلند شدیم یعنی رفتی من بلند شدن و شمه ای از عرایشی که داشتیم بعرض مردم ملت ایران رسانیدند بنده جناب آقای دکتر مصدق شخصاً شروع بآن نطق بقول روزنامه باختر تاریخی فرمودند و بعد از آن دیگر مجال جواب نشد حالا بنده با اجازه آقایان نمایندگان محترم می خواهم یک قسمت در این زمینه صحبت کنم اولی نکته نطق جناب آقای پیشرو حکایت از آزادی بیان و زبان اقلیت در

هر مملکتی می گرد چون در این زمینه هم غریب صحبت شده است و هم مردم شرافت مند ایران در طرف این چند روز اخیر شاه و نظر این مضامین فرمودند که برای ما فراموش شد در این زمینه بنده زیاد عرض نمی کنم و شهادت این مدارا بقضای خود آقایان را بگذار می کنم پیشترش می کنم در همان روزی که جناب آقای نخست وزیر این جا صحبت از آزادی نطق و بیان می فرمودند و مقرراتی که دولت ایشان برای تظاهرات و برای اجتماعات مقرر فرموده بودند بیان می کردند در جلوی همین جا سخن مجلس همین جایی که چند روز پیش بجرم اجتماع آدم کشته شدی در همانجا عده ای بر علیه ما هم گونه اهانت می کردند (بیراسته و شوشتری - صحیح است) از این اشاء مرام که گذشتیم جناب آقای دکتر مصدق راجع بشورای امنیت و مسافرت خود با آمریکا صحبت فرمودند کدام ایرانی است که نخواهد در مقابل اجنبی قبح و بیروزی نصیبش گردد کدام ایرانی است که نخواهد هیبتی که مظهر وجود او است با شکست مواجه باشد کدام خون با کست که منافع کشور را نخواهد مصون و محفوظ بماند آقایان مگر همین اقبیتی که امروز بجرم بیان حقیقت است نبود که بعضی این که موضوع شکایت انگلیس بشورای امنیت پیش آمد اعلام کرد ما از هر گونه مغالفتی دست کشیدیم مگر ما نبودیم که در طی تمام مدتی که هیبت نمایندگان ایران در امریک بود با وجود تمام شایده خاموش نشدیم ولی آیا با زهم توقع این را که بلا اراده اوضاع آشفته کشور است بی بینم و سکوت اختیار کنیم؟ نه برای من و اقربان من گناهی عظیم تر از این نیست که شانه از زیر بار مسئولیت خالی کنیم ولو هر گونه مغالطه ای برای ما باشد که بگوئیم آلت فعل هستیم جناب آقای دکتر مصدق از پشت این تریبون مقداری احکام و تلگرافاتی که در دوره نهم قانونگذاری ردو بدل شده بود ارائه دادند ممکن است این تلگرافات برای شورای امنیت حائز کمال اهمیت بوده است ولی تصور نمی کنم برای ما ایرانی ها که تاریخ وطن خودمان را لا اقل تاریخ معاصر خودمان را بچشم دیده ایم اهمیت فوق العاده داشته باشد زیرا همه کس می دانند و می دانستیم در آن مواقع وضع انتخابات چه بوده است ایشان خواستند مدعی بشوند که انتخابات دوره نهم آزاد نبوده ما هم قبول داریم می فرمایند باین دلایل قوانینی که در آن دوره گذشته است قوت قانونی ندارد احسن بسیار خوب و بنا بر این قرارداد ۱۹۲۳ هم مخدوش است تا از این بهتر نمی شود باز ترین استدلال که جناب آقای دکتر مصدق برای رد قرار داد منحوس

است از نظرشان دور مانده باشد مواظب باشند با کمال خونسردی بین فرمودند بنده اجازه بحث بکنی نمی دهم شما صورت از خود سوال می کنم که اکثر مصدق چه جرأت مجلس شانزدهم را که با اتفاق آراء قانون ملی شدن صنعت نفت را تصویب کرد که در وقت آن وقت نیست بچه حق دستکار میدان بهارستان با بستن بیک مشت مردم غیر مسئول بگوئید مجلس شورای ملی اینجا است نه آنجا این چیزی است که من واقعا نمی توانم تصور بکنم قبول بکنم که جناب آقای دکتر مصدق بعد از این استدلال بگویند که مجلس دوره شانزدهم ملی نیست و من برای آن اعتنا نمی کنم اگر روزی بکشت بدین و بدخواه این مملکت پیدا بشوند و بگویند که بگفته پیشوا دوره شانزدهم قانونگذاری هم ملی نبود ما چه باید بکنیم (نور الدین امین) این فرمایش را نفرمائید جرم است پیشوا گفته است من نکتم (نورالدین امین) رئیس - ساکت باشید) من سه ماه پیش این نکته را جناب آقای دکتر بقائی حاضر عرض کردم و گفتم بعد از اینکه قانون ملی شدن نفت با اتفاق آراء از این مجلس گذشت شاد دیگر حق ندارید هتک احترام دوره شانزدهم را بکنید چون که سر نوشت این مملکت با ما این دوره بستگی داشته است - شوشتری - صحیح است

جناب دکتر از توفیقی که در شورای امنیت بدست آورده بودند فرمودند که این توفیق ایشان موجب خوشوقتی و خرسندی فرد افراد ملت ایران است همه خوشترند و همه خوشحال می شدیم و خوشحال هستیم که نماینده ما مظهر وجود ما که در آنجا از حقوق حقه ما دفاع می کنند بیروز نبوده رو بامکار و حریف گفته کار دامی در پیش ایشان گذرد که نمی دانم دانسته یا ندانسته متأسفانه در آن دام افتادند و ما به کمال هنگامی که آقای نخست وزیر گزارش خودشان را در مجلس قرائت می فرمودند در اطراف این موضوعها گفتگو بشود و بحث گردد و خوب ابراز نظر بشود شاید آنوقت معلوم می شد که با وجود تمام دها و گرفتاریهایی که اطرافیان ایشان داشتند ما هم بر درواز حقیقت نبودیم ما هم مال اندیشی ها یک تیریشی عالی داشتیم می توانستیم اینها را بعرض خودشان لا اقل برسانیم بخاطر دارم که یک روزی در همین اطاق جناب آقای رئیس من در حضورشان استدعا کردم و خواهش کردم اجازه بفرمائید در جلسه خصوصی بدون تلقینات بدون سر و صداها ما عرایضمان را بکنیم و ایشان هم توجه داشتند باشند با جواب ما را بدهند و بالا اقل خودشان نکتاتی را که ممکن

است از نظرشان دور مانده باشد مواظب باشند با کمال خونسردی بین فرمودند بنده اجازه بحث بکنی نمی دهم شما صورت از خود سوال می دانید من مجبور و اگر کریم آنچه را که آنروز در جلسه خصوصی می خواستم عرض کنم امروز از پشت این تریبون مجلس بگویم و ملت ایران هم بشوند آید و نظر دارید روزی که دیوان داوری تازه می خواست بشکایت انگلیس بر علیه ملت ایران رسیدگی بکنند ملت هم کینه و رنج دیده ایران چه احساساتی از خودش نشان داد وقت برافراشت و حکم ظالمانه محکمه داد گستری بین المللی را بر ارزش خواند (صحیح است) هنوز فریاد و اضلما در گوش میهن پرستان ایران طنین انداز است و ملت ایران این رأی جا برانه را پذیرفت و حتی دولت دکتر مصدق یکصد و پنجاه هزار تومان خرج سفر داد که هیبتی فقط بتوان مستعجلاً آزاد در آن مجمع حضور بهم رساند هنوز هم ملت ایران صلاحیت دیوان لاهرا برسمت نمی شناسد (صحیح است) ولی ارمغانی که از شورای امنیت برای ما آورده اند قبول صلاحیت دیوان داد گستری لاهه است (دکتر شایگان - اینطور نیست توضیح می دهم) (بیراسته - آقای نخست وزیر باید توضیح بدهند) (مکی - اینطور نیست تریبنا ملت ایران را گمراه نکنید اینطور نیست) پس چرا تدریف می برند دفاعی کنند و چرا نماینده خارجی معین می کنند (مکی - در هیئت مختلط در این موضوع مذاکره شده است اجازه بفرمائید توضیح بدهم راه این حرفها خیانت بملکت است ممکن است اگر نمی دانید بپرسید) (دکتر شایگان - آقا اگر نمی دانید حرفی نزنید) (مکی - اگر اجازه بفرمائید بنده توضیح می دهم) بنده خیلی خوشوقت می شدم که شما توضیح بفرمائید چون آنها را که من می بینم (دکتر شایگان - آقا اگر نمی دانید حرفی نزنید) (مکی - اگر اجازه بفرمائید بنده توضیح می دهم) بنده خیلی خوشوقت می شدم که شما توضیح بفرمائید چون آنها را که من می بینم

تیمورتاش - بنده هنوز عرایض باقی مانده و خیلی هم عرض دارم چون که عرایضی که عرض کردم آکتو آلیته بود راجع به بیاناتی که جناب آقای نخست وزیر این جا فرمودند و بنده هم می خواستم جواب عرض کنم و حالاً هم بسته برای مجلس و آقایان است اگر ممکن است به بنده اجازه ادامه صحبت بفرمائید موجب کمال تشکر خواهد بود اگر هم اجازه نفرمائید کاری از دستم ساخته نیست (بیراسته - ده دقیقه اجازه بفرمائید)

رئیس - باید رای گرفته بشود عده کافی نیست موشا از حد معمول بیشتر صحبت کردید

(نمایندگان - جلسه دیگر باشد)

تیمورتاش - جناب آقای آزاد اجازه می فرمائید که بنده از وقت شما استفاده کنم

آزاد - خودم می خواهم صحبت کنم

رئیس - آقای آزاد

آزاد - بنده ابتدایک کفندی که به بنده داده اند یک قسمت را قرائت میکنم که خاطر محترم آقایان مستعصر شود که چه وحشی گریهایی در کابینه آقای دکتر مصدق در پایتخت رخ می دهد این کفندی است که رسیده است با مضای رضائزاری آقایان نمایندگان محترم ایران محترم جرایم که از مقام مصدق بی دین در مجلس اقمند شده اند از آن آبرو رفته و حیثیت سر و پای که معاون کلانتری ده بود در میان جمعیت بودند من معاون کلانتری را بالا صدا زدم گفتم این چه بیچاره ایست که در حالی که فلان او فلان شده است (چند نفر از نمایندگان - آقا نخواهد این چیزها را) من نمی توانم این مطالبی را که در کفندی نوشته شده است بخروم (بعضی از نمایندگان - همه اش را بخوانید) می گوید ما از کوچ

گرفتند و گفتند که آیت الله کاشانی حکم فرستادند بن حجاب را صادر کرده و تو را باید بترت آیت الله بپوشی و نروردن و موضوع را بیشتر توضیح می فرمودند و چشم و گوش این ملت بیچاره بدبخت را باز می کردند البته ما هم اینقدر گمراهی شدیم چه کنیم ما وقتی جناب آقای نخست وزیر صحبت می فرمایند اولاً باید همه سکوت بر لب بزنیم و ثانیاً شمه ای از دوران تحصیل شمه ای از این که چرا نخواستند وکیل داد گستری بشوند شمه ای از گذشته ها و شمه ای از آینده ها صحبت می شود ولیکن حقایق آنچیزی را که برای ما ارزش آتی و حیاتی دارد بسنج مانعی رسد این گناه بنده نیست (مکی - شما مهر سکوت بر لب نگذاشتید شما تخته را زدید که جای حرف زدن باقی نگذاشتید)

تیمورتاش - بنده هنوز عرایض باقی مانده و خیلی هم عرض دارم چون که عرایضی که عرض کردم آکتو آلیته بود راجع به بیاناتی که جناب آقای نخست وزیر این جا فرمودند و بنده هم می خواستم جواب عرض کنم و حالاً هم بسته برای مجلس و آقایان است اگر ممکن است به بنده اجازه ادامه صحبت بفرمائید موجب کمال تشکر خواهد بود اگر هم اجازه نفرمائید کاری از دستم ساخته نیست (بیراسته - ده دقیقه اجازه بفرمائید)

رئیس - باید رای گرفته بشود عده کافی نیست موشا از حد معمول بیشتر صحبت کردید

(نمایندگان - جلسه دیگر باشد)

تیمورتاش - جناب آقای آزاد اجازه می فرمائید که بنده از وقت شما استفاده کنم

آزاد - خودم می خواهم صحبت کنم

رئیس - آقای آزاد

آزاد - بنده ابتدایک کفندی که به بنده داده اند یک قسمت را قرائت میکنم که خاطر محترم آقایان مستعصر شود که چه وحشی گریهایی در کابینه آقای دکتر مصدق در پایتخت رخ می دهد این کفندی است که رسیده است با مضای رضائزاری آقایان نمایندگان محترم ایران محترم جرایم که از مقام مصدق بی دین در مجلس اقمند شده اند از آن آبرو رفته و حیثیت سر و پای که معاون کلانتری ده بود در میان جمعیت بودند من معاون کلانتری را بالا صدا زدم گفتم این چه بیچاره ایست که در حالی که فلان او فلان شده است (چند نفر از نمایندگان - آقا نخواهد این چیزها را) من نمی توانم این مطالبی را که در کفندی نوشته شده است بخروم (بعضی از نمایندگان - همه اش را بخوانید) می گوید ما از کوچ

من می خواهم با دلیلی و منطقی ثابت کنم مصدق اساساً نه بقانون ملات ای دارد و نه بازادی و نه با بران تا بحال گفته و هر چه بگوید دروغ گفته و می گوید با بیان مرد دشمن آزادی و عدالت و قانون است و هزار بار از رزم آرا بر حجتش و شفی تر است - آقایان رزم آرا که این آقای دکتر مصدق و رفقای او او را دیکناتور می گفتند روز دوشنبه ۱۲ تیر ماه ۲۹ که روز سه شنبه ۱۳ تیر ماه حزب استقلال برای افغای قرار داد نطق جنوب علیه رزم آرا میتینگ سیاری داد و چهار ساعت در تمام شهر گردش کرد و سخنرانی نمود آن رزم آرا دیکناتور مانع میتینگ حزب استقلال نشدولی این مصدق قانون دوست و آزادی خواه بعضی این که حس کرد علیه او سخنرانی میشود فرستاد و درو پنجره حزب را خرد کردند و چیزی نمانده بود عده های کشته و مجروح شوند مرک بر این مرد سالوس که هفتاد سال ایران را فریب داده و افوا نموده است

مصدق خودش را رسوا کرد خودش را به ملت ایران نشان داد و ثابت کرد که بهیچیک از اصول و مبانی قانون مشروطیت معتقد نیست ولی من دلم از این میسوزد که این مرد هفتاد سال است بپردم می گوید من طرفدار قانون اساسی و آزادی هستم مخالف زور گوئی می باشم در جریان این مدت مردم را متوجه خود کرده بود که دارای این صفات است حالا که نخست وزیر شده باوری قانون و عدالت و آزادی گذاشته اختیار جان و مال و ناموس مردم را بدست رجاله سه بد سلب اعتماد و اطمینان مردم میشود و دیگر این مردم دنبال کسی نمیروند و این بزرگترین ضربه است که بر بیکر ملت ایران وارد ساخته است آقای کاشانی سی سال است که مدعی است باید از منکر و نفعشاه جلوگیری شود مگر می گفت اگر من قدرت پیدا کنم بمالام اسلام خدمت خواهم کرد همه آقایان می دانند بزرگترین حامی مصدق آقای کاشانی است و امروز آقای کاشانی مقتدرترین اشخاص است ولی ایشان با مرتبه نه بدولت گفتند که کین عرق فروشی را ببینید و نه زنها را که قریب ده هزار نفر می شوند از ادارات بیرون کنند و مانع از فحشه ها بشوند و نه بپردم تذکر دادند که حاضری خودتان بروید و مانع از عرق فروشی و رفتن زنهای ادارات و فاحشه خانها شوید هم روز اعلان می کنند بازار هارا ببندید و در نتیجه آن بدوا و غارت آدم کشی می شود ولی یک مرتبه بدولت و مردم تذکر ندادند که از فحشه و منکرات جلوگیری نمایند اگر عوض این بیانی هائی گفتند که رسومات و آب جو فروشی مجبوره این بنده مگر کار بدی بود این بی ملانگی پیشوایان

بمسائل اصولی سابقه عموماً مردم میشود و باین زودیها این مردم دیگر دنبال کسی نمیروند و آنوقت است که بکلماتی بی‌بهره و بی‌بیشوا در مقابل دسائس امپریالیزم خرد و لطمه میشود.

آقای دکتر مصدق در روز سه شنبه در برهه خرد اسامی کسانی که در دوره نهم برای تصویب قرارداد ۱۹۳۳ نفت انتخاب شده بودند معرفی کرده و تلگرافهایی که برای انتخابات آنها شده بود بوسیله وزیر جنگ قرائت نمودند. این تلگرافها متعلق به نمایندگان بود که مردم آنها را آقای مصدق شرافت اخلاقی داشت نباید این تلگرافها را میخواند اگر هم خواندن آنها را لازم می دانست باید تمام تلگرافها را بخواند و همه نمایندگان را که برای نفت انتخاب شده اند معرفی کند و اینکه یک هفته اشخاص مرده را که در زیر خاکند و قادر به دفاع از خود نمی باشند روح آنها را آزرده سازد و آنها را که زنده اند معرفی نکند کمال ناجوانمردی است و مخالف حبسیت یک مرد شرافتمندی است آقای دکتر مصدق آن تلگرافها را قرائت کرد و نمایندگان را که برای تصویب قرارداد ۱۹۳۳ با توجیه به مجلس آمده اند مردمان خائن معرفی کرد ولی یکی از همان نمایندگان که توصیه آن در وزارت جنگ و وزارت کشور است آقای امیر تیمور کلای است که با همان توصیه به مجلس آمده و اکنون وزیر کشور و رئیس شهر بانی است و همکار صمیمی آقای دکتر مصدق می باشد اگر آن اشخاص مرده خائن بودند چطور شده که این مرد زنده خادم و محل اطمینان آقای دکتر مصدق می باشد. من اسامی اشخاصی که به قرارداد ۱۹۳۳ رأی داده اند میخوانم تا مردم ایران بدانند که همان کسانی که آن قرارداد را امضاء کرده و با توصیه شرکت نفت بقول آقای دکتر مصدق و کمال شده اند امروز پشت سر آقای دکتر مصدق ایستاده او را حمایت می کنند.

بنابراین آقای دکتر مصدق باین آقای امیر تیمور در کابینه و پشتیبانی آن نمایندگانی که با توصیه شرکت نفت به مجلس نهم آمده و فعلاً در این مجلس می باشند باید اذعان کنند که خودشان عامل مخفی شرکت نفت هستند و آنچه را که شرکت نفت خواسته انجام داده و می دهند.

این صورت جلسه هیجدهم دوره نهم تقیبه بکتابخانه هفتم خردادماه ۱۳۱۲ است که قرارداد نفت به تصویب رسیده است و رأی دهندگان: ملک مدنی (ملک مدنی) - مارای نادیم (جناب آقای مندل شیرازی) (معدل) - ماهجو را بی نادیم (بنهارا از خودتان در آورده اند) این صورت جلسه است والان کتابش را می آورم آقای مغیر فرمند - دکتر طاهری - جرجانی - سلطانی - نوبخت - اقبال و عده دیگر که

در این مجلس نیستند کسانی که رأی اعتدال بدکتر مصدق داده و پشت سر او ایستاده و اورا نگامی دارند جناب آقای مندل شیرازی (معدل) - تکدی می کنم (جناب آقای ملک مدنی) جناب آقای فرمند آقای دیگر طاهری - جرجانی - سلطانی - آن اشخاصی که بقول مصدق انگلیسها آنها را برای تصویب قرارداد ۱۹۳۳ انتخاب کردند الان مجلس ۱۶ حضور دارند و از آقای دکتر مصدق حمایت می کنند و با او هم رأی میدهند اگر اینها عامل شرکت نفت بوده اند پس مصدق هم عامل انگلیس و شرکت نفت است که این اشخاص با رأی میدهند و از او حمایت می کنند دکتر مصدق که در حمایت انگلیسها است چرا اظهار عوام فریبی کرده می گویند من با انگلیسها مبارزه می کنم چطور ایشان با انگلیسها مبارزه میکنند در صورتی که حامی و پشتیبان ایشان همان انگلیس هستند.

رئیس - آقای آزاد وقت شما تمام شد.

آزاد - ممکن است اجازه بفرمائید یک ربع ده دقیقه بنده این را بخوانم **دکتر شایگان** - بنده راجع بدیوان لاهه بعنوان عضو کمیسیون مختلط اجازه می خواهم

رئیس - کسانی که موافقت ۱۵ دقیقه آقای آزاد صحبت کنند تمام بفرمائید (اکثر برخاستند) تصویب شد.

آزاد - هر روز که آقای کاشانی و دکتر مصدق دارو دسته راه می اندازند شعار بزرگ آنها فداکاری خلیل طهماسبی است و در همه جا فریاد زنده باد خلیل طهماسبی بگوش میرسد و بقیه آقای کاشانی و دکتر مصدق و مکی و بقای خلیل طهماسبی جان آنها را از کودتای رژیم آرا خلاص کرده و حکومت را بدست این آقایان داد ولی همین آقایان که آقای وزیر گویاری شان در پرتو فداکاری خلیل طهماسبی است الان که حکومت ایران دست آنها است دادگستری شهر بانی و منکدر در فرمان کاشانی و مصدق و مکی است برای تعیین تکلیف او اقدامی نمی کنند بوزیر دادگستری نمی گویند که او را مجازاً نمایند اینقدر تماماً امروز و فردا می کنند که از کار بر کنار روند بعد دولت بعدی او را مجازاً و محکوم بزرگ نماید و نصف شب طایبی بگردن او بیندازد اینها هر چه می گویند دروغ است هر چه می کنند تظاهر و عوام فریبی است در عمل هزار مرتبه از رژیم آرا بدترند و لسی در ظاهر مردم را گول می زنند

در دنیا فاسدترین حکومتها مشرفترین حکومتها آن حکومتی است که پایه آن زون عوام فریبی و گول زدن مردم باشد آن حکومتی است که همال او بظلم و غارتگری و خیانت مشغول باشند ولی توده

عوام مردم بویخبر را گول بزند و وعده ارض موعود بآنها بدهند

مصدق روانه او مدعی هستند که در تظاهرات دولت دخالتی ندارد من بیک شاهد زنده از مداخله مستقیم دولت برای ملت ایران بیان می کنم که جای هیچگونه انگار نیست

دکتر شروین را کاشانی مدیر کل اوقاف کرده است این مرد فعلاً مستخدم دولت و مکی از صاحبان دولتی است و اداره بزرگی که در تمام شهرستانهاشبه دارد تحت ریاست اوست این شخص پول اوقاف را که باید صرف روضه خوانی و خیرات و مبرات شود می دهند بدهای چاقو کش و اراذل و آنها را مست و لایعقل می کنند می آورد در مجلس و معوضه بهارستان و آن گروه مست رقص کنان در حضور صد ها هزار ها مردم مسلمان می گویند زنده باد کاشانی زنده باد مصدق و به مخالفین دولت فشار می کنند و خودد کتر شروین در انجمن پست بلند گو نشسته نطق می کند و در مجلس صد هزار فحشهای رکیک بنمایند گان مجلس می دهد اگر این عمل مدیر کل اوقاف دخالت دولت در این تظاهرات نیست پس دخالت دولت کدام است؟ (بعضی از نمایندگان - صحیح است) آقایان جامعه روحانیت جامعه دیانت و معشر مسلمین عالم فراموش نخواهند کرد که دکتر شروین نماینده کاشانی و مدیر کل اوقاف ایران چند صد نفر اراذل و اوباش را از پول موقوفه مست لایعقل نموده آنها را در مجلس آورده و رقص کنان بگوبند زنده باد کاشانی زنده باد مصدق و خود دکتر شروین هم در پشت بلند گو بتمام مقدسات ملی هتاک و فحاشی نماید این بزرگترین تبهامی بوده که در حکومت مصدق برپیکر اسلام وارد شده است (شوشتری - صحیح است) دکتر مصدق می گویند من رفتم با مریکالی انگلیسها اصال نفوذ کرده نگذاشتند امریکا با کمک کند ژرژ مک کی معاون وزارت امور خارجه امریکا که از ایران حمایت می کرد اورا از معاونت وزارت خارجه امریکا بر داشته سفیر کبیرتر کیه نبودند اگر این اظهاراتی که مصدق در روز سه شنبه کرد حقیقت است و مصدق معتقد است که انگلیسها اینقدر مقتدرند که ترومن و آچسن و دستگاه سیاسی امریکا را ببنفقت خود بچرخانند و ژرژ مک کی را که طرفدار ایران بوده بر کیه بعنوان سفارت بفرستند پس شما آقای مصدق بانفیسها که یکی را معاون نخست وزیر و دیگری را معاون وزارت کار کرده و با دستگاه دولتی که سی سال است تحت رهبری انتیپنت سروس کار می کند چطور در مقابل انگلیسها ایستاده و قهرمان ملی شدید و انگلیسها با آن قدرت و نفوذ که در ایران

و بقول شما در امر بکار دارند زورشان نمی رسد آقای دکتر مصدق یا شما باید بگویند که من در امریکا شکست خوردم و کس از من ساخته نشد یا اگر میگویند که انگلیسها نگذاشتند باید با کمال تلخی اعتراف کنید که خودتان و دستگاهی که دارید عامل سستیم و یعنی انگلیسها سستید و این هیاهو و جاز و جنجالی که هر روز در تهران بنفقت شما درست می شود آن دستگاهی بوجود می آورد که ژرژ مک کی معاون وزارت خارجه امریکارا از او شکستن بهتر کیه تمیید می نماید نه شاو کاشانی

از زمانی که من با مصدق بنای مخالفت را گذاشتم عده ای از مردم علیه من تحریک کردند ولی اگر از آنها پرسید آزاد چه کرده است هیچکدام دلیل منطقی علیه من ندارند نه می توانند بگویند من با روس و انگلیس و امریکا زدوبند دارم زیرا رویه و زندگی سیاسی من نشان می دهد که با تمام اجانب مخالفم (شوشتری - احسن) اگر بخوانند بگویند من پول و انجمن می خواهم طریقه پول گرفتن این نیست فواید سلطنته جوانان در ترین نخست وزیران بود اگر من پول می خواستم با او سازش می کردم هر چه پول می خواستم بمن میدادند هر چه رزم آرا نخست وزیر شدند اگر با آنها میساختم از هیچ گدشتی نسبت بمن خودداری نمی کردند با همین دکتر مصدق اگر سازش داشتم مانند سایر همکاران او یک گوشه ادارات یا بنگاهها را بمن میداد و جیب و بغل خودم را برمی کردم پس اگر پول بخوام طریقه پول بدست آوردن از سازش با دولتهاست نه مخالفت با آنها بنا بر این بقول دکتر مصدق آن دستگاهی که ژرژ مک کی را از امریکا بر کیه تمیید میکند آن دستگاهی که دکتر مصدق در پناه او قهرمان ملی شده چون می بیند که من اسرار پنهانی او را فاش می کنم و خار را او مست علیه من تحریکات می کند مردم بی خبر را علیه من برمی انگیزد

ولی من بقرآن قسم خودم را که تا آخر لحظه هر دست از حمایت ملت مظلوم ایران برندارم و با هر کس و هر مقامی که مخالفت با ملت ایران می نماید مبارزه کنم و با جنگم خبانت ملت ایران می نماید مبارزه کنم و جنگم ولو آنکه در این راه کشته شوم و اطفال صغیرم بریزد شوند (بعضی از نمایندگان - خدا نکند)

آزاد - بنده چند دقیقه دیگر وقت ندارم؟

رئیس - چهار دقیقه

آزاد - يك اعلامیه ها می هم هست که از طرف اصناف بازار فرستاده اند که مفاد آن این است اشخاصی که در بازار درب دکان ها را بسته اند کسبه و تجار نبوده اند و تمام کسبه و تجار از بستن دکانها

ها متنفر و بیزارند ولی چیزی که دست بک عده ای که هیچ کسب هم نیستند آنها بودند روز پنجشنبه درب دکان های مردم میبندند گدکان ها تا را بستید اگر بنیدید تمام اموال تان را غارت می کنیم این هاهم از ترس آنها دکانهاشان را بسته اند و کسبه و اصناف بازار اظهار تنفر کرده اند از نمایانی که در روز پنجشنبه توسط یکمده چاقو کشا در بازار بعمل آمده

معدل - بنده طبق ماده ۹۰ اجازه می خواهم

(۳) اخذ رأی و تصویب فوریت لایحه برقراری شهریه در باره ورثه سرهنگان نوری شاد)

رئیس - وارد دستور می شویم اولاً اعلام رأی شده بود نسبت بفوریت لایحه مربوط بانس شهر بانی ، فقط يك رأی دارد که بهد میرود بکمیسیون ، چون اعلام رأی شده رأی می گیریم و بعد وارد کارهای مجلس می شویم (آشتیانی زاده - آن خانواده ها می که همه بیس و بی پدر شده اند تکلیف آنها چیست ؟) رأی گرفته می شود بفوریت لایحه ای که در جلسه اسبق مورد بحث واقع شد آقایانی که موافقت قیام کنند (اکثر برخاستند)

تصویب شد برای طبع و نشر فرستاده می شود

(۴) بیانات آقای امامی اهری بعنوان ماده ۹۰ آئین نامه)

رئیس - دو نفر از آقایان طبق ماده نود تقاضای توضیح کرده اند یکی آقای امامی اهری است و یکی هم آقای آشتیانی زاده است که در جلسه گذشته تقاضا کرده اند آنها محفوظ است آقای امامی اهری در صورت جلسه هم قید شده است که حق بیرون علت بنده مورد مهربی آقای جمال امامی واقع شدم لازم بود جوابی عرض کنم اما چون مقام و موقعیت مجلس را مقدس تر و منزله تر از این می دانم که این جارها محل تصفیه حساب خصوصی قرار دهیم و یا اوقات گرانهای مجلس را در چنین روزهای بهرانی و حساس کشور صرف مهملات بنمایم به نوبه خود از حق شخصی و خصوصی خود صرف نظر می کنم و چون آقای امامی در ضمن بیانات خود از شدت عصبانیت جمله ای نسبت بوطن من ادا کردند که در همین این که اهانت آمیز بود مفهومی نداشت و در همین اینکه مفهومی نداشت اهانت آمیز بود ولی بهر حال موجبات توجیه کی و آوردن کی خاطر هفت شهرهای مرا فراموش کرده که اغلب با مغایره تلگراف متعدد ضمن ابراز انزجار

درخواست دادن جواب مقتضی را نمودند ولی در این باب نیز من از دادن پاسخ و مطالبه مقابله خودداری می کنم و با دادن این تذکره آقای امامی که هنگام طنبان خشم و غضب است که مرد می تواند توانائی کنترل اعصاب خود را داشته باشد هم میفان خود یعنی آن ایرادهای شریف و وطن پرستی را که در گذار مرزاس زندگی می کنند معاذت فراتر داده می گویم شما شرف شریز و لایحه که با تحمل هزار گونه فشار و زنجیر و بدبختی ولی با نهایت وطن پرستی زندگی کرده و شرافت و حیثیت ملی خود را نگاه داشته اید و در هر موقع با دادن بهترین سرباز و سردار مانند ستارخان سردار ملی بزرگترین همداه استعداد و نبوغ خود را بروز داده و ظاهر ساخته اید سربلند باشید و بدانید که کلمات و جملات آنها جملات نارساو نارواریا باری و بخدوش کردن مقام و شان بیان نیست

در قسمت دیگر که شهرت علامه و موافقت مرا بدست جناب آقای دکتر مصدق با همه جوانمردی متعلق بقرض دانسته و پنداشته اند که من برای خاطر و کسالت دوره هفتده از دولت دکتر مصدق پشتیبانی می کنم بالعکس من مخالفت شدید تالین حد ایشان و سایر افراد اقلیت را برای خاطر بیم از عدم موفقیت در انتخابات نمی دانم فقط متذکر می شوم که دولت دکتر مصدق مقدمات آزادی انتخابات را تا آنجا تأمین کرده که من با کمال شجاعت و صراحت و روی اصل بیان حقیقت می گویم که از اول مشروطیت تا اکنون تا این حد در این کشور آزادی انتخابات تأمین نشده است (دولتاشاهی - واقماً صحیح می فرمائید) (شوشتری - دم خور سبید است) و همه تصدیق دارند که این دولت نه آجیل می دهد و نه آجیل می گیرد هر مرد وطن پرست ایرانی باید که مقصود اجتماعی و رشد ملی خود را در این موقع حساس و بهرانی کشور عملاً ثابت کند و با انتخاب نمایندگان دل سوز و واقعی (بکنفر از نمایندگان - دستور) رشد ملی خود را ثابت نمایند (دولتاشاهی - رشدشان از کافتنی که آقای آزاد خوانده اند معلوم شد) شما هر وقت حرف می زنید ما گوش می دهیم شما هم هر فرمایشی دارید بفرمائید بنیدیم در همین حال باین که بنده وقت دارم وقت مجلس را تلف نمی کنم و فقط از موقع استفاده کرده تلگرافی را که از طرف آموزگاران آذربایجان بعنوان جناب آقای کتجه مغایره شده و ایشان از من تقاضا کرده اند میخوانم راجع بتصویب حکم سدی هشتاد مسلمان است که بخش قسمت از آنها حقوقشان ضایع شده توبه آبا باینرا باین قسمت جلب می کنم که آموزگارها و ادماً طبقه های هستند که با سستی مورد لطف و توجه خاص آقایان نمایندگان قرار گیرند (نورالدین امامی - از آن اصل ها با هم

بندید بگویند در ظرف ده روز، بیست روز (رئیس - یکماه) دولت مکلف است اگر نکرد شاد دولت را مکلف کنید در صورتی که دولت دلس نخواست بکند مثل این که تا حال نخواست بکند مقصراست این مردم حاضرند کرسنگی بکشند حقوق نگیرند ولی شراب نخرند دولت دولت نباید شراب فروش باشد (صحیح است) (آشتیانی زاده - بیا فدا هم بگرد) دولت نباید قمار بازی باشد دولت نباید رسماً خودش مشغول این کار باشد این که مردم می خواهند این است که از این کار دولت جاو گیری کند این فایده اش چیست ؟ يك طرحی باید پیشنهاد شود دولت در ظرف ده روز ۲۰ روز یکماه موظف باشد اگر هم نکرد او را معلق کنید (يك نفر از نمایندگان - مجازات معین کنید) مجازات دولت معلوم شد

رئیس - لایحه ای که از مجلس شورای ملی رفته بود مدت داشت دو ماه این جا نوشته اند برای اجرای امر با سرعت اوقات حالا آقایان مخیرند ممکن است پیشنهاد کنند یکماه چهل روز و بآن رأی بدهند

دکتر طباطبائی - بنده اجازه صحبت می خواهم

دکتر کاسمی - بنده پیشنهاد کردم

رئیس - مگر پیشنهاد بدهید در اصل موضوع دیگر صحبت نمی شود

دکتر طباطبائی آقای قائم مقام روی چه موضوع صحبت کردند بنده هم بهمان عنوان می خواهم صحبت کنم

رئیس - برای این که مدت نداشت صحبت کردند پیشنهادات قرائت می شود

غلامرضا فوافو لادوند بنده پیشنهاد می کنم که دولت در ظرف یکماه لایحه این را به مجلس بیاورد و همین همین پیشنهاد را هم آقای دکتر کاسمی کرده اند ایشان صحبت کنند توضیح می دهند

رئیس - آقای دکتر کاسمی

دکتر کاسمی - بنده همین موضوعی را که جناب آقای رفیع فرمودند می خواستم بعرض مجلس برسانم در موقعی که مجلس شورای ملی ماده واحده را تهیه کرده مدت برایش قید نکرد منظور از آن مدت همین بود که دولت حقیقتاً مکلف باشد در يك مدت از زمان این لایحه را بیاورد برای این که مورد توجه تمام مردم و جامعه اسلامی است متأسفانه در سنای مدت را حذف کردند و اسرع اوقات گذاشتند اسرع اوقات هیچوقت منظور ملت ایران و جامعه مسلمین خدا دولت را مکلف کرده در تمام مدت مگر قرآن مکلف نکرده بود (صحیح است) مگر خدا مکلف نکرده بود افلا مکلف

بدهید)

(۵) طرح و تصویب طرح تکلیف تقدیم لایحه اجرای منع مشروبات الکلی)

رئیس - نظر بتصادف فردا که روز مولود حضرت شعی مرتب صلوات الله و سلامه علیه می باشد من می خواهم از موقع استفاده کنم و می دانم همه آقایان هم باین نظر من موافقت دارند که لایحه ای که مزبور با اجرای منع مسکرات فرستادیم بستانو بر کشته است جزو دستور قرار گیرد (صحیح است - احسن) و بدهم شروع می کنیم بکارهای دیگر وعده زیادی هم بعنوان ماده ۹۰ اجازه خواسته اند که در موقع خود اجازه داده می شود طرح قانون قرائت می شود

طرح قانونی دایر بکشف بودن دولت به تنظیم لایحه ای برای فروش و شرب نوشابه های الکلی ماده واحده دولت مکلف است با سرعت اوقات لایحه ای برای اجرای منع فروش و شرب نوشابه های الکلی تهیه و برای تصویب به مجلسین تقدیم نماید

رئیس مجلس سنا سید حسن تقی زاده **دکتر طباطبائی** - لایحه را تعبیر داده اند

رئیس - این لایحه ای که از مجلس شورای ملی بستاند دو جزو داشت یکی راجع بالکل بود و یکی راجع بتریاک قسمت تریاک را هنوز نفرستاده اند و مشغول مطالعه هستند ولی این مانع از این نمی شود که فعلاً این قسمت را تمام کنیم و بعد بقیه اثر که رسید تمام کنیم (دکتر طباطبائی - ما هر دو را با هم دادیم این موجب می شود که هیچوقت قسمت مربوط بتریاک تصویب نشود) این قسمتی است که از سنا آمده است یعنی از خود مجلس رفته یعنی ندارد بنابراین باید فقط رأی گرفته شود (دکتر مجتهدی - سنا چرا تجربه کرده) يك قسمتش را علیحده کرده است و مشغول مطالعه است (بکنفر از نمایندگان - چند سال مطالعه لازم دارد) (رفیع - من مخالفم با فوریت این لایحه) مخالفی ندارد همان طوری که از سنا آمده باید رأی گرفته بشود

رفیع - با رأی آن مخالف **آشتیانی زاده** - این مخالف شرع است مثل این است که يك لایحه بیاورند که مردم باید نماز بخوانند این مخالف است

رئیس - آقای رفیع بفرمائید **رفیع** - با رأی دادن باین طرح باین جهت مخالفم که ما می خواهم دولت را به چیز مکلف کنیم در تمام این مدت خدا دولت را مکلف کرده در تمام مدت مگر قرآن مکلف نکرده بود (صحیح است) مگر خدا مکلف نکرده بود افلا مکلف

را دادم و گفتم که آقا اگر باین پیشنهاد رأی ندهید من باین ماده رأی نمی‌دهم ایشان بلند شدند از مجلس خارج شدند در خارج از مجلس بمن گفتند که حق باتو بود رأی ندادن به آن پیشنهاد خیانت بود خلاصه مجلس را تحت این تأثیر عجیب و غریب و تحت تشریح پانثوی پانثو که در آن روز در

مکی - اینطور نیست این گفته شما خیانت بملکت است کدام چاقو کش ها ؟ مجلس افتخار می کند که باین لایحه رأی داده .

آشتیانی زاده - آقای مکی مصباحی نشوید من که شما ارادت دارم دم در همین مجلس زیغتنند بسر بنده که چرا من پیشنهاد کرده ام که تمام محصول نفت را بزیاده بفروشیم و حالا شما پیشنهاد مرا قبول کرده اید

مکی - چی را قبول کرده ایم پیشنهاد شما بنفع انگلستان بود خیال می کنید ما

نمی‌دانیم .

آشتیانی زاده - پیشنهاد من بنفع انگلستان بود آقای مکی؟ اختیار دارید پیشنهاد بنده بنفع انگلستان بود این موضوع برای من حیاتی است بنده نطق آن شبم را میخوانم بنده ماده هفتم را میخوانم و نطق مردم را هم میخوانم

مکی - نطق بنده را هم بخوانید **رئیس** - آقا این مطالبی که می‌گوئید مربوط به ماده ۹۰ نیست

آشتیانی زاده - این مصاحبه کاشانی است (ورقه ای را ارائه دادند) این مصاحبه آقای کاشانی است مصاحبه کاشانی بایشتهادات بنده تطبیق می کند

مکی - شما می گوئید که مجلس با زور چاقو کش رأی داده اند چرا اینطور می گوئید؟

آشتیانی زاده - پس چرا در خارج از مجلس ریغتنند بسر بنده؟

رئیس - آقای آشتیانی زاده سه دقیقه بیشتر از وقت شما باقی نمانده تمام کنید اگر اضافه وقت هم بخواهید عده در خارج برای رأی کافی نیست

آشتیانی زاده - آقا اگر ماده ۷ مضمونش این باشد که تا ۳۰ میلیون تن محصول مستخرج نطف باستی منحصرأ مطابق قیمت بین المللی دنیا بنرخ عادلانه بکمیانی واگذار شود و مازاد او را بزیاده بگذاریم (مکی) دکتر شایگان و دکتر معظمی - این نیست آقای آشتیانی زاده) و در صورت تساوی شرایط باز بدهیم بشرکت سابق این بهتر است یا پیشنهادی که بنده داده بودم که از لیتر اول باید بگذاریم بزیاده شما را بشرافقتان شما را بناموستان انصاف بدهید بگوئید کدام خوب است بگوئید

(۸) تعیین موقع جلسه آینده - ختم جلسه) **دکتر شایگان** - بنده اجازه

میخواهم .

مکی - آقایان اقلیت بیرون می روند تا جاسه را از اکثریت بپندازند **رئیس** - آقای دکتر شایگان که

عضو کمیسیون مختلط نفت هستند توضیحی برده دارند راجع بدیوان داورری لاهه آقایان تشریف داشت داشت تا ایشان صحبت بکنند آقای تیمورتاش ساکت باشید مگر نمی بینید من دارم صحبت می کنم آقای دکتر شایگان یک شرحی نوشته اند که یک توضیحی راجع بدیوان داورری لاهه میخوانند بدهند ولی الان هم وقت دیر است و هم عده کافی نیست اول وقت روز سه شنبه توضیح خودشان را با اجازه آقایان خواهند داد فعلا جلسه را ختم می کنیم جلسه آینده روز سه شنبه ۲۶ آذر ساعت ۹ صبح

(مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد) **رئیس مجلس شورای ملی** - **رضاحکمت**